

سُخَن دِهْکَرْد

جلد اول

کلمات نکری و گویش عامیانه مردم شهرکرد

همایون کاظمی



۱۳۹۳

سرشناسه	کازمی، همایون، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	سخن دهکرد/ به کوشش همایون کازمی.
مشخصات نشر	تهران: هادیان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۶۰ص؛ ۵/۵×۲۱/۵اس.م.
شابک	۸۸۰۰۰ ریال 978-600-5933-12-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوعات	ج. ۱. کلمات دهکردی و گویش عامیانه مردم شهرکرد
رژوع	دهکردی
رده بندی کتب	۱۳۹۳ ک۲۷۷۳ش/ PIR۳۰۲۴
رده بندی یویی	۴۶۹ ی/۳
شماره شناسه ملی	۳۴۱۸۸۴۳



تهران، خیابان سه‌رودی جنوبی، پایین‌تر از خیابان مطهری ۲۴۹

نمابر: ۸۴۳۳۱۹۰

تلفن: ۸۴۳۳۱۹۰

E-mail: hadian.nashr@yahoo.com

سخن دهکرد

به کوشش: همایون کازمی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳؛ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: چاپ واژه

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مؤلف می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۳۳-۱۲-۳

قیمت: ۸۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۷	علت و انگیزه تدوین و نوع تحقیق
۸	نمونه سخن دهک
۸	انتخاب نام برای کتاب
۱۰	روش تحقیق
۱۱	حذفیات
۱۲	ملاحظات و نکات قابل ذکر
۱۷	بخش اول: کلمات دهکردی
۱۲۵	بخش دوم: گویش عامیانه مردم شهرکرد

پیشگفتار

علت و انگیزه شروع تحقیق

انگیزه شروع تحقیق در باب گذشت عامیانه مردم شهرکرد و به ویژه کلماتی که عامه مردم این دیار بکار می‌برند، در آن کودکی همچون نهالی نوپا در باغچه دل بالندگی گرفته و با شدت بارشده کرده و در تمامی زوایای زندگی ریشه دوانده است. از این روی مناضی سالین درز، با تلاش فراوان در حفظ و نگهداری آن کوشیده و اینک که همان جلد میوه این درخت تناور فرارسیده، بهترین و رسیده‌ترین میوه‌های این درخت را در طبق اخلاص نهاده و در اختیار عاشقان فرهنگ و ادب این مرز و بوم قرار داده‌ایم.

هر شهری دارای زبان و گویش مخصوص به خود می‌باشد که با گویش مردمان سایر نقاط کشور متفاوت بوده و ریشه در فرهنگ و آداب و سنن مردم آن دیار دارد، به طوری که اهمیت و ضرورت حفظ تک تک این گویش‌ها با اهمیت حفظ فرهنگ عامه برابری می‌کند. لذا بر آن شدیم در حد توان در این راه گامی هرچند ناچیز برداریم. به امید آنکه این امانتی را که از گذشتگان به ما رسیده، به دست آیندگان بسپاریم.

انتخاب نام برای کتاب

انتخاب نام برای کتاب از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نیازمند صرف وقت و دقت نظر در کلمات مورد استفاده بوده و به همین دلیل پس از بررسی کلمات و عبارات مختلف، نام «سُخن دهکرد» برای عنوان کتاب انتخاب شد. به امید اینکه این اسم بیانگر محتوای کتاب باشد.

نمونه‌ای از سخن دهکرد

از جمله زیبایی‌های بیانی بیانگر گویش عامیانه مردم شهرکرد بوده و به نوعی فرهنگ و آداب و رسوم مردم این مرز و بوم را در لایه‌های زیرین آن می‌توان دید متنی است با عنوان «خوشا هَمووَخ کُو رفتیم حَج کُوا گشت» که سال‌ها پیش روایت شده و در دهان آن یکی از جرقه‌های ایجاد علاقه و اشتیاق به تحقیق در زمینه گویش عامیانه مردم دهکرد و جمع‌آوری کلمات دهکردی بوده است. از این رو برای شنایی مختصر خوانندگان با گویش دهکردی، بدون دخل و تصرف در متن اصلی در ادامه می‌آید:

خوشا هَمووَخ کُو رفتیم حَج کُوا گشت

یه روز آ روزا قریاض بید. همون وَخ بید کُو دَستِ لَن رَخ جَخ گِل داده بیدن. قرار بید با دایزه‌هام اُ خال قزیم اُ دده شام بید حَج کُوا گشت. نَم گفت: «بره اُ تو چال گُمبَدی، اُ تو تا پُو گلی یه بوم دَن آت دَریار، تا یَق خمیر کونیم، تا نون تازه داشته باشیم.» اوسا که بَیر وَر او مَد آتِشا تو تَندور گیروندیم اُ نونا را پُخدیم. یه دَه تاشا هَشْتیم تُو نون‌بندی اُ باقی شَم هَشْتیم تو گَنجه. پی‌سین نَم گوشتا تو یانِه با نَخچی کوره اُ تَره خُشگه کوفت. می‌خواست قیمرزه درست کونند. یه

یالْق چی نِم ماست کردیم اُ هشتیم تُو خورجین خرمون. صُبا صُح زود
وَحسادیم اُ جَل جامونا هُول هُولکی جَعَم کردیم اُ ریختیم شون تو خونه
پُشتی، اُ اومدیم کُو ناشتای بُخوریم. نَنم بُخچه نونیا انداخته بید تو تالار
رو یه جُل کُنه‌ی. مَنَم که هی هُول می کردَم برا رفتن، زیکولی نَشْدَم پا
بُخچه نونی که یه تیکه نون بُخورَم، هَمی جُوری کُو زیکولی زده بیدَم.
نَنجوئِم گفت: «پَ چه هَم چی نَشستی ننه؟ گُنا دارد ننه، وَخِی، وَخِ دُرُس
بین. کُو نمخواستَم سِرْدَل سیر نون بُخورَم، یه غازی دُرُس کردم اُ
خَرَم. نَنم گالیشا کُرد پاش اُ گفت: «مُ اُسْتُخونام دُق می رَند.
نَم تون بیا.» اونا مووار خَر کُردیم، اُ با یه سُکی خَره را روندیم. اُ ما
اومدیم کُرد لا سَی اُ رُسی یامونا بوکونیم پامون، که یهو نَنم یه سُقْلَمه
کوفت تُو پَلوم. گفت: «اُ ریشه کُن، جَخ هیژده رِبال دادم اُ رُسی
باراتون، بیالیدشون.» کون پات بیایت.» راه اُفتادیم اُ رفتیم. سِر
پَل آجری بیدیم کُو یهو دُردن دُنده سُرخی پا چش ما گشت. اُول
هی یَق داد اُ بیداد کردیم اُ چس بازی دُردیم. نَنم گفت «اَنقده تِبارت
دَرِنار، تاخ رَن بیا. می مارت زده؟» اَخْتَم بید اُ لَجنا جوق یَق مالید پا
چَشُم، چش تون روز بَد نَبیند، پا چَشُم خیند. کُنگو. اُ بَم گُفت:
«دَس تا بیگیر به دُم خَر، اُ هوا خَره بیا.» ما نَم هی رِبال یَق که رفتیم
یهوکی خَره نَم چش شد، رَم کرد، اُ جُف پای زده سِر مَنَم، نَنم پَش
اُفتاد. شانس اُوردَم کُو نَسیدَم اُی نه همه زَهتَلک می سدن. اُ دَس
ما گُرفت اُ بَلندَم کرد. اُ کُماجدون قِمرزه را داد دَسَم. یه هَل جَوون
کُندَتی بید، وَخسادَم اُ با قِمرزه‌ها را اُفتادَم، هَمی جور کُو دُولک دُولکا را
می رفدیم، چش چارمَوَنم کُو هیچ جا را نَم دید، پام وَرکوفت به یه سَنگ،
اُ خوردَم زِمین. نَنم گُفت: «خدا چاره تا بوکوند با ای را رفتنت! می تُو
چش تو روت نداری؟» ناخون شَس پام اُ جا کُند. یه تیکه کُنه پاره

کردن اُبَسْتَن رو پام اُباز را اُفتادیم. به جوق حُسینبات کُو رسیدیم همه اُ جوق وِرکندن، نَندای مَم با خَر وِرکند، به مَم گفتن جَل باش وِرکَن. مَم عقب جَلُو کردم اُ وِرکندم. هَمچی وِرکندم کُو وِردلنگ شدم میون جوق. کاکام به جوق دراز کرد رو اُ وُ گفت: «سَر چوقا بیگیر اُ بیا بیرون.» با هَمو جُوق هر جور بید خودما کِشدم بیرون. اُ باز را اُفتادیم. نموم سَر وُ عَضُم شده بید چَب چَبه اُو وُ لَجَن. دیگه رَخَت بُشتی برام نَبوده. به یه نیگا کردم به دَسَم دیدم کُماجدون قِمرزه دَسَمس اُ آزش سَر کِشید. نَک دَم هیچی نَگَم، گفتم: «پَه چه اُ کُماجدون اُ می چَکند؟» نَم به نیما به اُ جلدن کرد اُ گفت: «خَل وِرده‌ها عالم تو سَرَت، بیا ای را رفتنت، اُجَت تورو کُو جا بید؟ تو گیر م اُ وُدی؟ بابام اُ گور دَرآد. حالا پَه چی چی خورم؟» دَده شابگُم اُ خال قِزی گفتن: «ووش خاک عالم، خو دَده هر چی دارم بیا م می خوریم، وِلش کون بچه ژمبسته را!» اُ خَرش با یه زَجراتی به حَکَم بیدیم. یه گَلیم کُنه پَن کردیم کنار جوق چولی اُ خوابیدیم. نَم گفت: «اُروز بُب اَس دُوونی یاتا کردی، حالا کَپه مَرگ تا بیال تا خونه حَق تا بیدم کُت جَبت» دراز کِش نمدوَنستم اُ کوجام بِنالم، تو همی گِیرو وِرا اُ حاد رفتن اُ بِن رفت. طَرَقا پَی سین بید کُو بیدارم کردن کُو وُخی، می خوایم بریم. را اُ دَر شدیم. ژبون گُشنه، پا پَی بایس تا دی دُمبال خرمون بدویم. عَرَصه جالیز خالی، او روز خیلی خوش گذشت به م، اُرواح بابام، می نه؟!!!

روش تحقیق

همانطور که در فهرست کتاب آمده است، این اثر از دو بخش اصلی «کلمات دهکردی» و «گویش عامیانه مردم شهرکرد» تشکیل شده است. لازم به ذکر است که روش تحقیق بر اساس انتخاب یا حذف کلمات و عبارات مورد

نظر در مقایسه با «فرهنگ فارسی» تألیف دکتر محمد معین بوده و «فرهنگ معین» به عنوان مرجع و زبان مبنا در نظر گرفته شده است.

برای این کار ابتدا کلماتی که در فرهنگ فارسی دکتر معین آمده، از جمع کلمات هکردهای حذف و مابقی کلمات به عنوان کلمات اختصاصی گزینش شده‌اند. پس از آن، گویش تمامی کلمات موجود در فرهنگ معین، با گویش مردمی مقایسه و در صورت وجود کوچکترین تفاوت، کلمه مورد نظر با گویش مردمی در بخش دوم کتاب آمده است.

آنچه در بخش کلمات می‌آید کلمات و عباراتی است که اختصاصاً مردم دهکرد - شهرکرد - قلم - به کار می‌بردند و یکایک آنها با «فرهنگ معین» مطابقت داده شده و کلمات مشکوک حذف گردیده‌اند. گرچه ممکن است امروزه به دلیل افزایش ارتباط بین مردم شهرکرد با مردم سایر نقاط کشور عزیزمان ایران، این کلمات بعضاً در شهرها یا روستاهای دیگر نیز توسط عامه مردم به کار برده شوند.

نکته قابل ذکر اینکه امکان تکرار برخی کلمات ویژه به صورت کلمات مرکب وجود دارد که این امر به دلیل وجود کلمه مشابه با تلفظ متفاوت در «فرهنگ معین»، اجتناب‌ناپذیر بوده و به همین سبب از حذف آنها صرف‌نظر گردیده است.

حذفیات

گرچه کامل بودن اثر و آوردن تعداد بیشتری از کلمات در متن کتاب به ارزش و اعتبار آن می‌افزاید، با این حال بنا به ضرورت و مصلحت، برخی کلمات و عبارات به شرح ذیل حذف و از آوردن آنها صرف‌نظر گردیده است:

الف) کلماتی که دارای شباهت ظاهری بوده و در گویش عامیانه به‌همراه یکدیگر به‌کار برده می‌شوند مانند: «کتابِ مِتابا» یا «آشغال پاشغال» که به‌نوعی از غلط‌های رایج محسوب می‌گردند.

ب) کلمات خارج از ادب و نزاکت.

ج) اسامی افراد و مکان‌ها با گویش دهکردی.

د) القاب و صفاتی که به فرد یا افراد نسبت داده می‌شود و درطول زمان دلیل تکرار و استمرار استفاده از آنها، معرف فرد یا افراد خاصی می‌باشد.

ه) آوردن اسم پدر - پندرت اسم مادر - پس از اسم افراد که به‌جای نام خانوادگی در گذشته متداول بوده و در زمان حال نیز گاهی به‌کار می‌رود.

سایر نکات قابل ذکر

به‌دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی و تفریحات آمیز و شد بین مردم شهرکرد با مردم شهرها و روستاهای همجوار، اختلاط فرهنگی و به‌ویژه گویش رایج بین مردم اجتناب‌ناپذیر بوده و نمی‌توان از این حقیقت چشم پوشید. از این‌رو ممکن است در متن کتاب به کلماتی برخورد کنیم که در شهری دیگر به همین شکل یا با اندکی تغییر توسط عامه مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو تفکیک و جداسازی این کلمات تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

غلط‌های رایج در ادبیات فارسی به‌دلایل مختلف در مقاطع زمانی خاص در بین عامه مردم رایج بوده و در بین اقشار مختلف جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند و حذف یا تفکیک آنها عملاً مشکل بوده و از آنجا که گویش

عامیانه جزئی از فرهنگ عامه مردم می‌باشد. شاید بتوان گفت که این غلط‌های رایج نیز جزئی از فرهنگ عامه مردم به‌شمار می‌رود. غلط‌های رایج اغلب به دو صورت مشاهده می‌شوند: اشتباه در نوع بیان و گویش کلمات و اشتباه در معنی کلمات. به‌همین دلیل ممکن است در متن کتاب با کلماتی روبه‌رو شویم که گویش یا معنی آنها با آنچه در زبان فارسی مبنای معمول است متفاوت باشد. همچنین ممکن است کلمه‌ای در مکان یا زمان بخصوص معنی و به‌ویژه خاص داشته باشد که در جای دیگر و یا در زمان حال، آن مفهوم به همان شکل از آن استنباط نگردد و یا حتی تعبیر و تفسیر دیگری از آن، به ذهن خواننده نزدیک باشد.

گسترده‌ی فراوان کلمات در استفاده در هر جامعه به گونه‌ای است که جمع‌آوری تمامی کلمات رایج در طبقات مختلف اجتماع از عهده یک نفر خارج بوده و یا حداقل با دشواری قابل بررسی. ثبت و حتی دسته‌بندی می‌باشند. برای نمونه کلمات رایج بین مسافران در صنوف مختلف (مانند کشاورزان، دامداران، درودگران و...) از یک‌سو و ای‌گروه‌های مختلف فرهنگی، ورزشی، هنری و... (مانند نوازندگان، مسکینان، کبوتربازان و...) بسیار گسترده و متنوع بوده و برخی از این کلمات فقط در افراد خاص به‌کار می‌روند و برای سایر اقشار جامعه بیگانه می‌باشند. از این‌رو در آوری تمامی این کلمات در این مجال نمی‌گنجد و همراهی و ممدانی یک‌سک همشهریان دلسوز و عاشقان فرهنگ و ادب این مرز و بوم را می‌طلبد. همانطور که اشاره شد، شکل و مفهوم بعضی کلمات با گذشت زمان در حال تغییر بوده و به‌ویژه در زمان حال کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند یا برخی از کلمات فقط در بین طبقه خاصی از جامعه رایج می‌باشند و هدف از آوردن کلمات و عبارات در این کتاب، صرفاً ثبت و روایت آنها

بوده و تأیید، رد یا قضاوت در خصوص صحت و سقم کلمات به هیچ وجه مد نظر نبوده است.

از نکات مهمی که در گویش عامه مردم به چشم می‌خورد اینست که نحو بیان و گویش هر کلمه، عبارت یا جمله و تأکید بر روی بخشی از آن، می‌تواند مفهوم و مقصود دیگری به آن ببخشد. به بیان دیگر فرد با تأکید بر بخشی از گفته‌های خود، مفهوم و منظوری خاص (مانند ناراحتی، تمسخر، جلب توجه...) را به شنونده و مخاطب منتقل می‌نماید. ضمن اینکه همان سخن را می‌توان به گونه‌ای دیگر و با تأکید بر بخشی دیگر از آن، برای بیان مفهوم دیگری به کار برد. این چنین موارد در گویش عامه مردم فراوان دیده می‌شود. همچنین تلفظ ادا کلمات نیز می‌تواند اثر متفاوتی در شنونده داشته باشد.

نکته دیگر اینکه برخی کلمات عبارات عامیانه صرفاً دارای معنی و مفهوم خاص خود بوده و آنها را نمی‌توان با کلمه یا حتی جمله‌ای در زبان فارسی مبنا به طور دقیق معادل‌سازی نمود. همچنین تلفظ و نحوه ادای کلمات در گویش عامیانه، گاهی تفاوت‌هایی با گویش مبنا در زبان فارسی رایج در ایران دارد و گرچه ثبت تمامی جزئیات ضروری نیست، با این حال به دلایلی از ورود به این مبحث و درج الفبای مبنا (فونیک) کلمات صرف نظر گردیده است.

در هنگام انتخاب کلمات، سعی بر آن بوده که کلمات به صورت مصوری و یا سوم شخص مفرد نوشته شوند با این حال گاهی به کلماتی برمی‌خوریم که فقط در حالت خاصی - مثل دوم شخص مفرد - کاربرد دارند و بنا بر ضرورت به همان شکل در کتاب آمده‌اند.

نکته جالبی که باید به آن اشاره نمود این است که در گویش دهکردی،

به کار بردن تعداد زیادی فعل در یک جمله - که بیشتر ناشی از حذف سایر ارکان اصلی جمله و یا استفاده از ضمیر متصل به فعل به جای فاعل و مفعول می باشد - بسیار متداول می باشد که نمونه هایی از آن در پی می آید:

مثال اول: «داشتَم می رفَتَم دیدم گِرُفْدَه نَشِیدَه گفَتَم بیال بُرِسم بیَنَم میاد دیدم میگد نِمخوام بیام بیال بِرَم بیگیرم بخونم!»
 مثال دوم: «گُف: اومدم بِرَم گفَتَم وایسَم بیَنم میاد بِریم؟»

که در مثال اول سه فعل و در مثال دوم هشت فعل در کنار هم به کار رفته به گونه ای که هر فعل به تنهایی بیانگر یک جمله کامل یا بخشی از یک جمله می باشد و گوینده، بهاء اجتناب از تکرار کلمات، از آوردن سایر ارکان جمله خودداری نموده است.

لازم به ذکر است که تفکیک کلمات و عبارات از یکدیگر سخت و گاهی غیرممکن بوده و از طرفی چندان هم ضروری نمی باشد. لذا، از جداسازی آنها صرف نظر گردیده و همگی در یک قالب و بترتیب حروف الفبا در کنار هم قرار گرفته اند.

گرچه بیشتر متن کتاب روایت شنیده های نگارنده از زبان مردم کوچه و بازار می باشد، ولی سعی شده متون مکتوب با گویش همگانی به بررسی و کلمات و عباراتی از آن منابع استخراج گردد.

امکان وجود اشتباه در متن کتاب دور از ذهن نیست. از این رو صمیمانه از یکایک خوانندگان گرامی برای تکمیل و تصحیح این اثر یاری طلبیده و دست گرمشان را صمیمانه می فشارم.

در تهیه و چاپ این کتاب دوستان زیادی یار و یاور بنده بوده و هریک در حد توان از بذل لطف و عنایت خود دریغ ننموده اند که در اینجا از

یکایک این عزیزان به‌ویژه مدیریت و کارکنان نشر هادیان تقدیر و تشکر می‌نمایم.

جلد دوم کتاب سخن دهکرد که اختصاص به امثال، اصطلاحات و عبارات عامیانه دهکردی دارد نیز انشاءا... در آینده‌ای نه‌چندان دور به چاپ رسیده و در دسترس علاقمندان به فرهنگ و ادب مردم این مرز و بوم قرار خواهد گرفت.

همایون کاظمی

زمستان ۱۳۹۲

www.ketab.ir